



## مجلس یکم

### شخصیت‌شناسی امام حسین علیه السلام

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی\*

#### مقدمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا».<sup>۱</sup> قبل از آنکه وارد بحث شویم و درباره شخصیت ممتاز امام حسین علیه السلام مطلبی بیان کنیم، ابتدا به اندازه فهم خودمان درباره شناخت سرور آزادگان و سالار شهیدان، مقدمه‌ای را ذکر می‌کنیم:

۱. در اینکه تمام امامان معصوم علیهم السلام از مولی الموحّدين گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام از نور واحدی آفریده شده‌اند و همه از حقیقت محمدی‌اند، در میان مذهب امامیه حرف و کلامی نیست؛ بنابراین، در تفاضل و برتر بودن بعضی از بعض دیگر، از نظر اصل خلقت و آفرینش، میان‌شان تفاوتی وجود ندارد و همه از انوار الهیه و از نور محمدی‌اند و در تمام مراتب کمالات و معنویت مساوی؛ یعنی هر کمال و معنویت که برای یکی ثابت کردیم، برای دیگر امامان نیز، مقرّر و ثابت است. اگر این طور نباشد، نقص در امام و امامت لازم خواهد آمد و این، از نظر

\* عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸: «به یقین، شهادت حسین علیه السلام، حرارتی در دل مؤمنان ایجاد کرد که هرگز خاموش نخواهد شد.»

عقل باطل است.

۲. در طول زندگی برای بعضی معصومین علیهم‌السلام، فرصت و موقعیتی پیش آمد که برای بیشترشان آن فرصت و موقعیت پیش نیامده بود؛ لذا بسیاری از امامان، نتوانستند از آن فرصت‌ها و موقعیت‌ها استفاده کنند؛ مثلاً در برهه‌ای از زمان، بر اثر اختلافات شدید بنی‌عباس با بنی‌امیه و در آخر کار سقوط دولت و حکومت بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس، امام صادق علیه‌السلام توانستند به خوبی از فرصت استفاده کنند و مجالس علمی و فقهی تشکیل دهند و در نتیجه با تعلیم و تربیت چهارهزار دانشمند، اسلام راستین و مذهب تشیع را تبیین و به جامعه اسلامی معرفی کنند؛ در حالی که همین امام علیه‌السلام، در اواخر عمر شریف خود تحت فشار حکومت ظالمانهٔ بنی‌عباس بودند و سرانجام به‌دست منصور به شهادت رسیدند.

حالا اگر گفتیم امام جعفر صادق علیه‌السلام رئیس مذهب تشیع و زنده‌کنندهٔ اسلام راستین است، بدان معنا و مفهوم نیست که امامان دیگر قابلیت این کار را نداشته و از این عمل عاجز بوده‌اند؛ زیرا این فکر و منطق غلط بوده و مسئلهٔ امامت و پیشوایی، بالاتر از این حرف‌هاست، یا حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام قیام کرد و آن صحفهٔ محیی‌العقول را در جهان بشریت برای حفظ کیان اسلام و بقای دین به وجود آورد که دیگر امامان چنین عملی را به وجود نیاوردند! حال نباید گفت که مثلاً حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام از این اقدام عاجز بوده است و حال آنکه با مطالعهٔ تاریخ زندگی این دو برادر، روشن خواهد شد که قیام و انقلاب حضرت امام حسین علیه‌السلام اولاً حسنی و ثانیاً حسینی بوده است. بعد از بیان این مقدمه، به محورهای زیر می‌پردازیم:

### الف) ویژگی‌های امام حسین علیه‌السلام

۱. خداوند متعال برای حضرت امام حسین علیه‌السلام حساب جداگانه‌ای باز کرده که برای احدی از انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام، چنین حسابی باز نکرده است. چرا و برای چه

امام حسین علیه السلام برنده جایزه ممتاز است؟ پاسخ این سؤال با مراجعه به تاریخ زندگانی پرافتخار این وجود نازنین، بلکه قبل از ولادتش روشن خواهد شد. حضرت نه تنها در قلوب شیعیان خود نفوذ کرد، بلکه فرقه‌های غیراسلامی نیز او را انسانی آزاد و آزاده شناخته و برای آن سرور آزادگان، امتیازهای خاصی قائل‌اند. اینک ما در اینجا، گفتار و معتقدات بعضی دانشمندان و مورخان غیراسلامی را ذکر می‌کنیم:

«ال. ام. بوید»<sup>۱</sup> می‌نویسد: «درس امام حسین علیه السلام این است که در دنیا، اصول ابدی عدالت، رحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند... آن اصول، همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند. در طی قرون، افراد همیشه جرأت، پردلی، عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته‌اند و در اثر همین‌هاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت حسین علیه السلام و من مسرورم که در چنین روزی با کسانی که این فداکاری را از جان و دل ثنا می‌گویند، شرکت کرده‌ام، هرچند که یک‌هزار و سیصد سال از تاریخ آن می‌گذرد<sup>۲</sup>...»

«ایروینگ»<sup>۳</sup> مورخ مشهور آمریکایی نیز می‌نویسد: «برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگانی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد؛ لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت آزادی‌بخش اسلام اجازه نمی‌داد، او یزید را خلیفه بشناسد، بنابراین به‌زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشار به‌منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی‌امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان و روی ریگ‌های تفتیده عربستان، روح حسین فناپذیر است! ای پهلوان! و ای نمونه شجاعت! و ای

۱. «L.M. Boyd»، نویسنده غربی.

۲. رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۶۱.

۳. «Washington Irving»، نویسنده و سیاست‌مدار آمریکایی.

شهسوار من!»<sup>۱</sup>

۲. از ابتدای تکوّن حضرت امام حسین علیه السلام تا ولادت و از ولادت تا شهادت، تمام عوالم هستی، آسمان‌ها، فرشتگان، زمین و دریاها، همه و همه برای حضرتش گریه کردند که این جریان برای کسی پیش نیامده و نخواهد آمد؛ هرچند برای حضرت یحیی علیه السلام آسمان گریه کرد. در تفسیر «مجمع البیان» ذیل آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»،<sup>۲</sup> مرحوم طبرسی فرمودند: «برای دو نفر (حضرت یحیی علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام) آسمان‌ها و فرشتگان، چهل شبانه‌روز گریه کردند.» در همین تفسیر، آمده است: «آفتاب در طلوع و غروبش تا چهل روز به حالت حمراء و سوزش بود.»<sup>۳</sup>

در بارگاه قدس که جای ملال نیست      سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است  
جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند      گویا عزای اشرف اولاد آدم است

حضرت امام حسین علیه السلام در تمام کمالات و فضیلت‌ها، حتی در عبادت، برترین انسان بود. چرا کنیهٔ حضرتش مکتبی به ابو عبدالله شده است؟ آیا این کنیه از کنیه‌های متعارف است؟ ظاهراً در این کنیه ویژگی‌ای نهفته و اشاره به محور بودن آن حضرت در تمام کمالات است! ابو عبدالله، یعنی پدر بندهٔ خدا. پدر در خانواده، نقش بزرگی دارد و باید الگو باشد. پدر، مربی و مکمل است. پدر، الگو و اصل است. حضرت امام حسین علیه السلام پدر بندگان خدایند و همهٔ بندگان و عبادت‌کنندگان، در رسیدن به کمالات، باید از امام حسین علیه السلام درس بیاموزند.

۱. عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۲؛ رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص ۶۱.

۲. دخان: آیه ۲۹.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۹.

۴. در روایات به زیارت امام حسین علیه السلام اهمیتی خاص داده شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهٗ أَنْ يَكُونَ عَلَى مَوَائِدِ نُوْرِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلْيَكُنْ مِنْ زُوَّارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام؛<sup>۱</sup> هر کس دوست دارد روز قیامت در کنار سفره‌های نور الهی بنشیند، باید از زائران امام حسین علیه السلام باشد.»

همچنین در برخی روایات دیگر، زیارت امام حسین علیه السلام معادل حج و عمره است.<sup>۲</sup> در روایات بسیاری آمده است، اگر روزی مشاهده شد که بیت‌الله الحرام از حجاج خالی است، در آن وقت از باب وجوب کفایی، بر مسلمان‌ها واجب است به زیارت خانه خدا بشتابند؛ اگرچه مستطیع نباشند یا حج واجب خود را رفته باشند. مرحوم صدوق رحمته الله همین مطلب را راجع به زیارت امام حسین علیه السلام گفته است: «اگر روزی بیاید و مردم به‌طور کلی زیارت امام حسین علیه السلام را ترک کرده باشند، بر شیعیان واجب کفایی است که به زیارت آن حضرت بروند و نگذارند حرم مطهر خالی از زائر باشد.»

گاهی در روایات آمده که ثواب زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت خانه خدا بیشتر یا با آن مساوی است. بزرگ‌ترین دلیل، این مطلب است که شکی نیست حرمت، احترام و عظمت خانه خدا به احترام و حرمت حضرت ابراهیم علیه السلام است که آن را بنا کرد و خلیل الرحمان، هنگامی که مأمور ذبح فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام شد، طاقت نیاورده چشمانش را بست؛ اما امام حسین علیه السلام جوانش را پیش چشمش قطعه قطعه کردند و جوانانی را برای خدا قربانی کرد و هرگز ناراحت نشد و رنگ نباخت؛ پس زمین کربلا که مزار شهدای راستین قرار گرفت و مرقد مطهر عزیز اسلام در آنجا واقع شد، باید زیارت و ثواب آن، حداقل معادل ثواب

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۳۵.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۶.

خانهٔ خدا باشد، نه کمتر؛ افزون بر آن، شهادت امام حسین علیه السلام سبب حفظ اسلام و کعبه گردید.

۵. امام حسین علیه السلام همچون پدر بزرگوارش، مولای متقیان علیه السلام، در دل شب، غذای بیچارگان را حمل می‌کرد و به خانه‌های فقرا می‌رفت؛ حتی بعد از شهادت سالار شهیدان، اثر زخم روی کمر ایشان مانده بود که آن زخم نه از شمشیر بوده و نه از نیزه! از حضرت زین العابدین علیه السلام پرسیدند و حضرت علیه السلام فرمودند: «این زخم، بر اثر حمل غذا برای فقرا و بیچارگان بود.»<sup>۱</sup>

### ب) امام حسین علیه السلام و حکومت دینی

رهبران الهی و مردان آسمانی برای تشکیل حکومت دینی تا پای جان کوشیدند و برای نجات انسان‌ها از ستم و تجاوز، مقرراتی به نام قانون وضع کردند. بعد از شهادت علی علیه السلام، با روی کار آمدن خاندان اموی، حکومت اسلامی به حکومت استبدادی - شاهنشاهی بدل شد و حاکمان به نام خلیفهٔ اسلامی، دین اسلام را بازیچه قرار دادند؛ از این رو امام حسین علیه السلام حکومت یزید را مساوی با از بین بردن اسلام خواند؛ یعنی هر زمانی که امت اسلامی گرفتار حکومتی مانند حکومت فرزند هند جگرخوار شد، دیگر فاتحهٔ اسلام خوانده شده و دین نابود خواهد شد: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْخِلَافَةُ مَحْرَمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سُفْيَانَ؛<sup>۲</sup> هنگامی که امت اسلامی به زمامداری مثل یزید گرفتار آید، باید فاتحهٔ اسلام را خواند! من از جدّم رسول

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱. شعیب بن عبدالرحمن خزاعی می‌گوید: «هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید، بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاد علیه السلام دربارهٔ آن پرسیدند. امام بسیار گریست و فرمود: این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه‌های تهی‌دستان می‌برد.»

۲. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱.

خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است!«  
 در واقع امام ﷺ با این جمله، عمق فاجعه زمامداری یزید را بیان می‌کند و با  
 استشهاد به کلام رسول خدا ﷺ تصدّی خلافت توسط فرزندان ابوسفیان را حرام  
 می‌شمارد. از سوی دیگر امتیازهای طبقاتی به وجود آمده بود و دوستان و شیعیان  
 حضرت علی ﷺ از تمام حقوق اسلامی - اقتصادی و... محروم بودند. شیعیان در  
 بدترین وضع به سر می‌بردند و محبت به علی ﷺ و خاندان رسالت، جرم بزرگی بود  
 که موجب محرومیت و شکنجه می‌شد. معاویه و تمام حاکمان زورگوی بنی‌امیه،  
 جز سفاکی و خون‌ریزی، کار دیگری نداشتند و در یک کلمه، اسلام را از مسیر  
 خود منحرف کرده بودند!

شاید برخی تصور کنند که چرا امام به جنگ نابرابر اقدام نمود و این نوعی  
 خودکشی است! در پاسخ باید گفت که آری، آنجا که آیین خدا به خطر افتد و سلطه  
 شرک، کفر و ظلم بر جامعه اسلامی احساس شود، تقدیم جان، مال و مقام، کاری  
 است پرازش! علی ﷺ می‌فرماید: «وَ إِذَا نَزَلَتْ نَازِلَةٌ فَاجْعَلُوا أَنْفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ؛<sup>۱</sup>  
 هنگامی که حادثه‌ای پیش آمد (که دین یا جان شما را تهدید می‌کند)، جان خویش  
 را فدا کنید، نه دین تان را.»

از سوی دیگر، زندگی آسوده از منظر رهبران آسمانی، یعنی ملت و جامعه،  
 آسایش داشته، مردم از زندگی خود راضی باشند، آزادی باشد، ستم شکل نگیرد و  
 تفاوت قومی و نژادی نباشد.

امام حسین ﷺ هنگامی زندگی آسوده دارد که حقوق انسان‌ها و پیروان مذاهب  
 به حکم قوانین اسلام داده شود؛ نه اینکه مردم از حقوق خود محروم باشند و در  
 محیط خفقان زندگی کنند؛ نه اینکه دسته‌ای از خدا بی‌خبر در شوکت، عزت و

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۶.

منتهای خوشی زندگی کنند و تودهٔ مردم، حتی نان خالی هم نداشته باشند. حسین علیه السلام فرزند کسی است که پیوسته به درماندگان کمک می‌کرد، برای نجات طبقات محروم و مظلوم با ستمگران مبارزه می‌کرد، شبانگاه غذای فقیران را به دوش می‌کشید، به خانه‌هایشان می‌برد و هرگز غذاهای رنگارنگ میل نمی‌کرد؛ چنان‌که خطاب به عثمان بن حنیف فرمود: «وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَ تُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِحِ هَذَا الْقَرْ، وَلَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُوْدَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدٍ؛<sup>۱</sup> چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی انتخاب بهترین خوراکی‌ها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیرزمانی است که شکمشان سیر نشده است! آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم‌های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارند؟»

### ج) امام حسین علیه السلام و اصلاحات

بزرگ‌ترین اهداف رهبران الهی، اصلاح امور انسان‌ها و جوامع بشری بوده است و بر همین اساس بود که امام حسین علیه السلام بارها در طول مبارزات و قیام خود، می‌فرمود: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَاءً وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي؛<sup>۲</sup> من برای امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کنم. من خانه و کاشانه‌ام را رها نکردم و تک و تنها در مقابل ظلم نایستادم، مگر برای آنکه انسان‌ها

۱. دیلمی، ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۹: «من نه برای راحت طلبی و وانهادن مسئولیت، به راه افتاده‌ام و نه برای خوش‌گذرانی و بیهودگی؛ نه انگیزه‌ام ستمکاری و بیدادگری است و نه تبهکاری؛ بلکه می‌خواهم امت جدم را اصلاح کنم.»



را ارشاد کنم و از بدبختی و انحراف نجاتشان دهم. من برای اصلاح امور مسلمان‌ها خروج کردم، نه برای به دست آوردن قدرت و مقام و نه برای ظلم و طغیان.»  
 از سوی دیگر، حضرت به موضوعاتی مانند رهبری ظالم، اشاره می‌کند: «...  
 مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولٍ... وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ  
 الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَّلُوا  
 الْحُدُودَ وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ مَنِ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا وَ حَرَّمَوا  
 حَلَالَهُ...»<sup>۱</sup>

#### د) امام حسین علیه السلام و آزادی

حریت و آزادی به معنای واقعی کلمه، اصلی است از اصول و رکنی است از ارکان بقای هر نظامی. آزادی یکی از بزرگ‌ترین اهداف پیامبران بود. آنان آمدند تا بشریت را از خفقان نجات دهند و جوامع بشری را از چنگال اهریمنان و زورگویان رها سازند. واژه مقدس آزادی را جز استکبار جهانی همه انسان‌ها طالب‌اند. آزادی را، حتی حیوانات هم دوست دارند!

امام حسین علیه السلام نگاه ژرفی به جهان اسلام می‌کند و می‌بیند با روی کار آمدن بنی‌امیه و بازی با دین اسلام و مقدسات عالم، دیگر چیزی از اسلام نمانده و احکام و قوانین آسمانی از مسیر خود منحرف شده است. شیعیان که طرفداران راستین اسلام بودند، از حقوق خود محروم‌اند. از همه مهم‌تر اینکه، امویان به‌نام خلیفه مسلمین، خود را مجری احکام اسلام می‌دانستند؛ حال آنکه دشمن اسلام بودند.

بدین‌سان، فرزند بزرگوار علی علیه السلام دیگر به خود اجازه نمی‌دهد که بنشیند و این منظره را تماشا کند. او فرزند علی علیه السلام است، باید مقدمات قیام را فراهم کرده و

۱. همان، ص ۱۷۲؛ ابومخنف، وقعة الطف، ص ۱۷۲؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۴۰۳.

علیه طاغوت و طاغوتیان قیام کند؛ از این رو، به بیان تقابل دو فرهنگ ظلم و عدالت می‌پردازد و اعلام می‌کند که نهادینه‌سازی آزادی و حفظ اسلام، به شهادت نیاز دارد و در چنین فضایی، مرگ در راه خدا افتخار است و شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ»<sup>۱</sup> و همچنین کلام ماندگار امام: «وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ!»<sup>۲</sup> برای همیشه بر تارک تاریخ می‌درخشد! ایشان در یک جنگ نابرابر، ثابت کرد که مرگ در راه خدا و رهایی از بندگی ستمگران، افتخار است و مرگ عزت‌مند بهتر از زندگی ننگین است!

الْقَتْلُ أَوْلَىٰ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ<sup>۳</sup>

«موریس دوکبری»<sup>۴</sup>، دانشمند بزرگ مسیحی می‌گوید: «حسین علیه السلام برای... از بین بردن ظلم و ستم... و به خاطر خدا از جان، مال و فرزند خویش گذشت؛ اما زیر بار استعمار نرفت. بیایید ما نیز شیوهٔ او را سرمشق خود قرار داده، و دست استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی باذلت ترجیح دهیم؛ زیرا مرگ با عزت بهتر از زندگی همراه ذلت است.»<sup>۵</sup>

در چنین فضایی بود که امام حسین علیه السلام زندگی زیر بار ستم ظالمان را جز دلتنگی نمی‌داند: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا!»<sup>۶</sup>  
به قول بهجتی:

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۳۵۴.

۳. ابن نما، مثیر الاحزان، ص ۷۲.

۴. «morris de cobra»، دانشمند بزرگ مسیحی.

۵. عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۴.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

اندر آنجا که باطل امیر است	اندر آنجا که حق سر به زیر است
اندر آنجا که دین و مروت	پایمال و زبون و اسیر است
راستی زندگی ناگوار است	مرگ بالاترین افتخار است
اندر آنجا که از فرط بیداد	نیست مظلوم را تاب فریاد
اندر آنجا که ظالم به مستی	بر سر خلق می‌تازد آزاد
مهر بر لب نهادن گناه است	خاموشی بدترین اشتباه است
این اساس مرام حسین است	روح و رمز قیام حسین است
یا که آزادگی یا شهادت	حاصلی از پیام حسین است
زان شهید سر از دست داده	زان فداکار در خون فتاده
جاودان آید این بانگ پرشور	لا أرى الموت إلا سعادة

### هـ) امام حسین علیه السلام و غیرت دینی

«غیرت»، واژه‌ای مقدس و بسیار پرمحتواست؛ اما متأسفانه این صفت بسیار ارزنده، قرن‌هاست از میان ملل اسلامی رخت بریسته و مسلمانان، به‌ویژه در این عصر و قرن اخیر، کمتر از این صفت برخوردارند! امام حسین علیه السلام حتی در لحظات آخر عمر، در حالی که زخم شدید برداشته بود، هنگامی که می‌بیند لشکر کفر به خیام و حرم زنان و کودکان حمله‌ور شده و قصد اهانت به اهل بیت رسالت علیهم السلام دارند، با حالت ضعف و ناتوانی صدا زد: «وَيْلَكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ؛<sup>۱</sup> ای پیروان آل

۱. سید بن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۰.

ابی‌سفیان! اگر دین و مذهب ندارید و از روز محشر نمی‌هراسید، حداقل در دنیایتان آزاده باشید.»

### و) امام حسین علیه‌السلام و حقوق بشر

یکی از مسائلی که در ادیان آسمانی، به‌ویژه در اسلام وجود داشته و مورد بحث و گفت‌وگوی پیروان مذاهب بوده و می‌توان گفت از اصیل‌ترین قوانین الهی است، مسئلهٔ حقوق بشر می‌باشد. انسان‌ها هر عقیده و مسلکی که دارند و در هر زمان و مکانی که هستند یا خواهند بود، باید به حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود برسند.

اساس نهضت و قیام رهبران الهی دو چیز بود:

#### ۱. حریت و آزادی

قیام عاشورا، سرمشق و الگوی آزادی و آزادگی برای همهٔ جوامع بشر در طول تاریخ است. جملهٔ معروف امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا خطاب به لشکریان دشمن که اگر دین ندارید، آزادمرد باشید، به خوبی پیام آزادی و آزادگی را می‌رساند.

امام حسین علیه‌السلام که در واکنش به نامه‌های کوفیان که از بی‌عدالتی، خفقان و اسارت در چنگال حاکمان بی‌دین خسته شده و در پی آزادی بودند قیام کرد، آیا می‌تواند پاسخ آزادی‌خواهی مردم را ندهد؟ آن حضرت که بارها ظلم و جور معاویه و یزید را بیان کرده و فسق و بی‌عدالتی دستگاه حاکم را یادآور شده، در پی آزادی مردم از دست حکومت جائز و ظالم بود.

او مردم را به لحاظ اجتماعی و سیاسی، آزاد و به لحاظ دینی و معنوی، آزاده می‌خواست. قیام امام حسین علیه‌السلام علیه همهٔ بدی‌ها و اسارت‌های درونی بشریت بود که نماد این اسارت‌های درونی و معنوی، اسارت هوای نفس و بی‌دینی حکومت

یزید است. اگر امام بر حکومت یزید می‌شورید، به معنای آزاد کردن بشر از بند اسارت نفس و ظلم و جور اجتماعی بود. عاشورا در این نگاه، سمبل القای یک مفهوم بلند به کل تاریخ است و آن، چیزی نیست جز آزاد بودن، آزاده زیستن و احیای آزادی و آزادگی؛ همان‌که بزرگ‌ترین برنامه انبیا نیز هست.

آزادی ترسیم‌شده در اهداف امام حسین علیه السلام، هم شامل آزادی‌های مادی است و هم معنوی. نمونه کوچک آن در سیره عملی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، نوع رفتار ایشان با اصحابشان است که حتی در شب عاشورا، آنها را آزاد می‌گذارد که خیمه را ترک کنند یا بمانند؛ یعنی در روش اسلامی و در منظر امام حسین علیه السلام، آزادی و آزادگی یک خصلت والای بشری است که دین هم آن را تأیید، تبیین، تصویب و حفاظت می‌کند.

آزادی در عاشورا یعنی رشد بشر، فراتر رفتن از تمایلات طبیعی، آزادشدن از اسارت دنیا و رسیدن به آزادی معنوی و الهی. آزادی اجتماعی نیز در رهایی مردم از دست حکومت امویان تبلور پیدا می‌کند.

«اقبال لاهوری»، فلسفه قیام عاشورا را در حریت بخشی معنوی می‌داند. از دیدگاه اقبال، امام حسین علیه السلام و یارانش، برای کسب آزادی و گریز از بندگی طاغوت و اثبات بندگی خدا و برخوردار کردن دیگران از آزادی در سایه تعبد الهی قیام کردند.

در نوای زندگی سوز از حسین      اصل حریت بیاموز از حسین<sup>۱</sup>

## ۲. رعایت حقوق انسان‌ها

به‌راستی می‌توان گفت که اگر حقوق انسان‌ها روی موازین قانون الهی داده نشود، جوامع بشری و انسان‌ها، دیگر همچون حیوانات و درندگان زندگی کرده و خواهند کرد.

مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام می‌فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَکِهَا عَلٰی اَنْ اَعْصٰی اللّٰهَ فِی نَمَلَةٍ اسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِیرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ؛<sup>۱</sup> به خدا قسم! اگر تمام آنچه را که در زیر قبهٔ آسمان است به من بدهند برای اینکه به مورچه‌ای ظلم کنم و پوست جوی را از او بگیرم، هرگز چنین نمی‌کنم.» این کلام نورانی حضرت علی علیه السلام، اشاره به هر دو مطلب است؛ هم اشاره به حقوق و هم اشاره به آزادی.

۱. بحرانی، حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۶.